

«شفاف سازی» و ظروف مرتبطه ی گرگ ها

فریدون گیلانی

gilani@f-gilani.com

سلطان محمود احمدی نژاد ، به فرموده ی هاله ای نورانی که هنوز دست از سر و کله اش برنداشته، نامه ای فوق محرمانه (Top Secret) را دو شنبه هشتم ماه مه ، لاک و مهر شده تحویل سفیر سوئیس در تهران می دهد تا به عنوان میانجی روابط دیپلماتیک ، آن را به جرج هربرت واکر بوش برساند و در آستانه نشست ویژه ی پنج کشور اصلی شورای امنیت سازمان ملل – که آلمان را هم به عنوان شریک قافله کنارشان نشانده اند – با کوشش در انحراف اذهان ، جنجال سیاسی برپا کند . بالاخره گاونر هم اگر بیست و هشت سال شاخش را به دیوار بزند ؛ بخصوص که از نوع گاوهای جنگی هم باشد ، شاخ تیز می شود . آن زمان که روح الله خمینی فعال سرشناس اخوان المسلمین ساخت بریتانیا و ایالات متحده ، جام زهر را سرکشیده بود ، روزنامه لوموند دیپلماتیک نوشته بود ، بالاخره ملاهای حاکم بر ایران از آسمان به زمین آمده اند و قوانین زمینی و کارت های بازی با این قوانین را یاد گرفته اند .

تا امروز ، سه شنبه هفت صبح که من این مقاله را می نویسم ، از مضمون نامه خبری در دست نیست و کاخ سفید هم ، دست کم تا دو صبح همین امروز ، از دریافت نامه اظهار بی اطلاعی کرده بود . اگر « بازی شیطان » رابرت دریفوس را که تا کنون موفق به برگرداندن ده قسمت آن به زبان فارسی شده ام در سایت های اینترنتی دنبال کنید ، یا ، اگر انگلیسی زبانید ، اصل آن را خوانده باشید، ملاحظه می فرمائید که کوچه ی علی چپ ایالات متحده ، مثل کوچه های نظیر در اسلام سیاسی ساخت MI 6 و CIA ، راهروهای فرعی بسیاری دارد . حاکمیت سیاسی ایالات متحده ، در صد و ده سال گذشته در سطح جهان و شصت سال گذشته در سطح خاورمیانه ، پیچاپیچ این کوچه ی بی انتها را خوب یاد گرفته تا به معماری امپراتوری جدید جهان بپردازد .

در حالی که خبرگزاری های دولتی ایرنا و ایسنا ، از قول حمید رضا آصفی سخنگوی وزارت امور خارجه – که وزیرش منوچهر متکی نامه ی لاک و مهر شده را تحویل سفیر سوئیس داده – می گوید: « نامه ی دکتر محمود احمدی نژاد به جرج بوش سرگشاده نیست که قرار باشد متن آن منتشر شود » ، دکتر غلامحسین الهام سخنگوی دولت بنا به همین گزارش های دولتی ، می گوید : « در این نامه ، ضمن تحلیل وضعیت جهانی و ریشه یابی مشکلات راه های جدیدی برای برون رفت از وضعیت شکننده ی جهانی ، ارائه شده است . » و علیرضا نوری زاده مامور کارکشته MI 6 و CIA و چند سرویس جاسوسی دیگر ، به عنوان تحلیل گر سیاسی « صدای آمریکا » که به قول مایکل لدین از مستشاران عالی رتبه ی کاخ سفید « صدای فارسی خودمان » است ، دیشب (دوشنبه) در برنامه تصویری این « صدای فارسی خودمان » ، می گوید « لابد ! » در این نامه احمدی نژاد موعظه هائی کرده و از آمریکا خواسته دست از اسرائیل بردارد ، یهودیان ساکن فلسطین را (یعنی فلسطین های یهودی را) از فلسطین بیرون کند و برنامه غنی سازی اورانیوم را به حال خود واگذارد و ... معنی روشن قضیه می تواند این باشد که هم سخنگوی دولت (دکتر غلامرضا الهام) ، و هم این مامور کارکشته ی چند سره (موجودی مثل جمال الدین اسدآبادی و سعید رمضان و حسن ال بنا و

حاج امین الحسینی که چند جانبه مامور بوده اند (از مضمون نامه ی « تاپ سکرِت » لاک و مهر شده خبر دارند . من خبر ندارم . ولی نامه ی احمدی نژاد ، آن جورها هم که بر بوق دمیده اند ، فوق محرمانه نیست که به قول سخنگوی وزارت امور خارجه ، « هر وقت اقتضا کند ، محتوی این نامه اعلام خواهد شد . » دلیلش هم این است که احمدی نژاد فرد نیست . به قول کینزر (در مصاحبه ای که ان را برای شما به فارسی برگردانده ام و بسیاری از سایت های پرگیرنده آن را درج کرده اند) ، از سیاست های اصلی ایالات متحده که از اروپائی ها آموخته اند ، این است که فردی را در کشور مورد نظر عمده کند و میخ هزار شاخش را بر مبنای تعریف مشخص از او ، در آن کشور بکوبد . احمدی نژاد سیاست جمهوری اسلامی را نمایندگی می کند و خامنه ای و رفسنجانی هم ، به عنوان مهره های اصلی حاکمیت ، به صراحت این سیاست را تأیید کرده اند . احمدی نژاد ، نماینده چهل در صد از « غیرتی ! » های سپاه هم هست که همه ی امور کشور را ؛ از اقتصاد بگیرد ، تا صنعت و آموزش و امنیت و ماشین سرکوبی و به قول قدیمی ها « غیره ، » در قبضه ی قدرت دارند . حرف ها و حرکات و موضع گیری های احمدی نژاد ، در و بی در نیست . سیاست دولت است . سیاست CIA و MI 6 ، و حالا دیگر روسیه و چین است . احمدی نژاد دارد خطی را پیش می برد که به او دیکته کرده اند . مردم ایران که مورد نظر و هدف این حضرات و اربابان ایشانند ، می گویند احمدی نژاد مامور انگلیس است . اگر کتاب « بازی شیطان » را دنبال کنید ، ملاحظه می فرمائید که رهبرای اسلام ساخت بریتانیا و از شصت سال پیش ایالات متحده ، هر کدام دست کم در خدمت یکی از سازمان های جاسوسی بوده اند . اسناد و مدارک این دست نشاندهی را ، بسیاری از محققان بخصوص انگلیسی و آمریکائی ، در بسیاری از کتاب ها نوشته اند که آخرینش « بازی شیطان » رابرت دریفوس و « یک قرن سیاست آمریکائی سرنگون کردن رژیم ها / از هاوانی تا عراق » اسیتفن کینزر است که هر دو تازگی ها در آمریکا منتشر شده اند و جنجالی علیه معماران سیاسی ایالات متحده برپا کرده اند . آقای دریفوس با سند و مدرک می گوید خود روح الله خمینی به عنوان دستیار شماره یک آیت الله ابوالقاسم کاشانی ، از CIA پول گرفته بوده تا در 28 مرداد سال 1332 علیه مصدق و برای بازگرداندن محمد رضا شاه که فقط دو و نیم میلیون دلار برای CIA و MI 6 ، هزینه داشت ، تظاهرات مرکزی را رهبری می کرده . یعنی در این « بازی شیطان » ، خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی و احمدی نژاد ، تافته ی جدا بافته اند ؟ چند سطر بعد ، عرض خواهم کرد که خیر.

احمدی نژاد که معروف به تواب ساز و تیر خلاص زن است ، نمی تواند در نامه اش تواب شده باشد . بچه هائی که نیمه اول دهه ی شصت در زندان اوین بوده اند ، یادشان هست که « برادر محمود » ، جوانکی با آن ته ریش ، چه نقشی داشت . آن « برادر محمود » ی که با چرخ دستی در بندهای اوین می چرخید و کتاب ؛ مثلا کتاب های علامه مجلسی و مرتضی مطهری و چمران را برای ارشاد زندانیان در اتاق ها پخش می کرد ، همین احمدی نژاد بود ، جوانکی که در نهایت باید احکام آزادی و مراحل آزادی را کنترل می کرد ، همین حاج محمود بود ، و جوانکی که بچه های اغلب زیر بیست سال را برای تواب شدن زیر فشار مضاعف می گذاشت و شست و شوی مغزی می کرد ، همین سلطان محمود است .

بنابراین ، تواب ساز می تواند تقیه کند ؛ آن هم نه در چنین موقعیتی که مساله برسر بودن ، یا نبودن

است ، اما توبه نمی کند ، مگر در فردائی که مثل ساواکی ها و توده ای ها ، کارش به دادگاه بکشد . می تواند مثل نامه ای که خمینی به گورباچف نوشته بود ، موعظه کرده باشد ، یا مثل خاتمی توهم گفت و گوی تمدن ها ، منتها به زبانی دیگر ، را مطرح کرده باشد و توپ تشر آمده باشد که این جنگ، تبدیل به جنگ جهانی سوم خواهد شد و یک جوری اولتیماتوم داده باشد . ببینیم .

اما شگرد ظروف مرتبته در این است که فقط چند روز پیش از نوشتن این نامه ، هیئت آمریکائی که به سر پرستی مایکل لدین به ایران رفته بود و سرو صدایش را هم در نیاورده بودند ، از ایران بازگشته بود . مایکل لدین ، که اغلب از پرسناژهای نوام چامسکی است ، پیش از سفر به ایران ، در مصاحبه ای گفته بود ، من هیچ گاه به ایران سفر نمی کنم . اما در مصاحبه ای که بیست و هشتم آپریل 2006 « برنارد گورسن من » با او انجام می دهد ، از نتیجه ی سفرش که دست کم در آمریکا ؛ آن هم نه در رسانه های بزرگ ، منتشر شده است ، حرف می زند .

مایکل لدین قبلا مشاور امنیتی دولت آمریکا بود و حالا از مستشاران عالی رتبه ی کاخ سفید است و در امور عراق و ایران کار می کند . ضمنا عضو مرکزی به نام اینترپرایز هم هست که سیاست خارجی آمریکا را ترسیم می کند . اپوزیسیون ایران را هم « سوخته » می داند و با رضا پهلوی هم روابط تنگاتنگی دارد . با این حال ، و در حالی که معروف به قاچاقچی اسلحه هم هست ، علیه جمهوری اسلامی هم موضع می گیرد ، علیه نیروهای مسلح مخالف جمهوری اسلامی هم موضع می گیرد . علیه جمهوری اسلامی می گوید « من از حکایت ایرانی ها سر در نمی آورم . سری به اهواز و خوزستان و مهاباد و بلوچستان بزنید و ببینید که حکومت چه رفتاری با اقوامش می کند . همین رادیو فردا – ایستگاه رسمی فارسی زبان ما – اعلام کرد که 28 هزار اهوازی در ده ماه گذشته زندانی شده اند و چندین جسد را از رودخانه گرفته اند که روی آن ها علائم شکنجه مشاهده می شد . در مورد نیروهای مسلح مخالف رژیم ، که از ایشان به طور اخص از حزب دموکرات کردستان ایران نام می برد ، می گوید : همین مسلح بودن شان اشتباه تاریخی و تاکتیکی است . و باز در مورد گفت و گو با حاکمیت اسلامی ، می گوید : گفت و گو چیزی را عوض نمی کند ... ما با دشمنی طرف حسابیم که فکر می کند پیروز است . انتظار معامله و توافق داشتن با ایران برای آمریکا ، وقت تلف کردن است !

مایکل لدین ، نوعی کیسینجر جدید است و از طرف شورای روابط خارجی امریکا و موسسه امریکائی « جست و جو در زمینه های مشترک ، » ، به دعوت دولت اسلامی ، به همراه « ویلیام میلر » رئیس موسسه جست و جو در زمینه های مشترک به ایران می رود . دعوت کننده ، به طور مشخص مرکز تحقیقات استراتژیک ، وابسته به مجمع تشخیص مصلحت نظام و به ریاست آخوند حسن روحانی است . رئیس کل مجمع تشخیص مصلحت نظام هم ، آخوند هاشمی رفسنجانی است .

درست در همین گپرو دار است که نتیجه سفر ماموران ارشد آمریکائی ، نامه احمدی نژاد به بوش از کار در می آید ، رضا پهلوی با کانال Human Events آمریکا مصاحبه می کند و لاف می زند که : بخش وسیعی از سپاه پاسداران با ماست ، بخش وسیعی از اپوزیسیون با ماست و ما در دوسه ماه آینده جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و حکومتی دموکراتیک ! را جایگزین می کنیم . البته من نمی خواهم شاه بشوم ، ولی مردم مرا دوست دارند و به هر حال سلطنت بهتر از جمهوری عمل می

کند . رضا پهلوی می گوید در همین دو سه ماه آینده ابتکار عمل را به دست می گیرم و از مردم می خواهم به خیابان ها بریزند و کار را یکسره کنند . همین یکشنبه گذشته هم ، که سر و صدای آن مصاحبه در آمده بود ، با صدای آمریکا مصاحبه می کند و می گوید : خارجی ها در عمل – و «عمل» را چند بار تکرار می کند – باید با ما کمک کنند .

حالاگر هنوز پرتقال فروش را پیدا نکرده اید ، به « بازی شیطان » از دیدگاه قانون ظروف مرتبته نگاه کنید .

سه شنبه نهم ماه مه 2006